

سه شنبه ۰۹ اکتوبر ۲۰۱۸

مرجان کمال

یادداشت های پراگنده از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت پانزدهم

ای رفته به خواب ناز بشنو فریاد دل از زبان مادر
باز آه که هنوز فرش باشد در راه تو دیدگان مادر
ای شهد امید! تلخ کردی باز زهر چرا دهان مادر؟



نقشه سیاسی در کوشش نشان دادن تحول است، و این تحول حقیقت دارد، و ارتباط می گیرد به عامل جنگ و "ستیت بلدنیگ" (State Building) به حیث محرک و انگیزه خارجی و تحرک هویتی به تعقیب آن که مربوط به تغییر شکل دهات و قریه جات در سال های ۱۹۸۰ و قومی ساختن جنگ در سال های ۱۹۹۰ می باشد. مگر این عاملین به تنهایی مجموع دینامیک را که در بازی ها داخل است تشریح نمی کند.

فلهذا باید بالای فکتور یا عامل "ستیت بلدینگ"، شالوده یا اساس سیاسی و اجتماعی در دهات و قصبات افغانستان سال های ۱۹۸۰-۱۹۹۰، و در عین زمان باید بالای عواملی که سبب تفرقه در سطح محل گردیده است یک مکث شود. لازم است در مورد تفوق دادن از نظر سیاسی یک قوم بالای قوم دیگر و از غیر متجانس بودن نژاد ها در شمال و هم چنان از عدم متجانس بودن قبائل در جنوب یک توقف کرد.

قسمیکه در جنوب شرق در نتیجه این تقسیم بندی قبائل بسیار مشکل است که دانسته شود کی بر علیه کی و یا کی دشمن کی است، زیرا هر لحظه خطر عبور به جنگ یکی علیه دیگر موجود است، و این به ما روشن می سازد که چطور با عبور از جنگ علیه وحشت حفظ و دوام حالت جنگ را مساعد ساخته مانند جنگ های داخلی سال های ۱۹۹۰، که همه علیه همه بود.

ارتباطات بین اهالی مناطق و قدرت های منطوقی و یا محلی (دولتی و غیر دولتی) همه شامل ستراتیژی می باشد که توسط شورشیان و هم چنین قوای ناتو توسعه داده شده است. تمام این رابطه ها در یک متن و یا فحوای بلند رفتن روزافزون خشنونت مسلحانه گره خورده است.

کدام ها هستند عناصر ساختاری که به ما اجازه تشریح موجودیتی عین شکل وحشت مسلحانه علیه دولت و یا علیه قوای ناتو را در حالت اجتماعی - سیاسی بسیار مختلف ولایات شرقی و جنوب کشور بدهد؟

چطور با وجود این متجانس بودن روز افزون فعالیت های شورشیان بالای قلمروی تحت کنترل شان، عوامل محلی درگیری، بالای بازی های فراملتی پیوند می شود؟

فلهذا اگر ما بنیاد یا اساس سیاسی و اجتماعی همان هایی را که بالای آن "ستیت بلدینگ" رول بازی می کنند در نظر بگیریم و مورد توجه و بازرسی قرار دهیم نه به حیث یک نتیجه، تبدیل و تغییر شکل سال های ۱۹۸۰ و دیگرگونی های سال های ۱۹۹۰، بلکه به حیث یک پروسه طولانی مدت ثبت گردیده است.

انکشاف یک شورش مسلحانه علیه دولت در یک دینامیک احداث و ساختار ملی از نظر تاریخی جای می گیرد. این دینامیک ها باعث تحولات بزرگ در مملکت از زمان مداخله قوای ائتلاف به رهبری امریکا در سال ۲۰۰۱ می باشد، و با ارزیابی با سوابق به ارتباط تشکیلات گروپ های مسلح در وقت جهاد علیه شوروی مشخص می گردند، و همچنان با منطق پارچه پارچه شدن که تشکیلات دوباره قدرت سیاسی را در دهات و قریه جات در اثنای جهاد و یا بعد از جهاد همزائی می کند. و بالاخره ارتباط می گیرد به رابطه کشمکش و نزاع بین بازی گران قبایلی که برای خود مختاری قلمرو شان در مقابل دولت می خواهند با دولت داخل مذاکره شوند.

پس به این نتیجه می توان رسید که یک مدت طولانی به کار است تا حکومت مرکزی قادر گردد دولت را وسعت بخشیده و کنترل قلمرو خود را گسترش دهد.

فلهذا انکشاف شورش مسلحانه یک سوال موجودیت پروسه ساختن دولت - ملت را مطرح می کند.

اگر دورونسورو (Dorrnsoro) (یک محقق فرانسوی) موجودیت یک بنیاد حمایت از افراط گرا ها (Fondamentalistes) را در بین پارچه ها یا حلقهات پشتون در قریه جات مطرح می کند، به کدام اندازه گسترش شورش، وسعت آن را همرائی می کند؟

در مورد این سوال که بالای میکانیزم گسترش شورش، که چطور گروه های مختلف که در سال ۲۰۰۲ انتخاب کردند که با دولت نو که توسط جامعه بین المللی حمایت می گردد ملحق شوند، دوباره توسط شورشیان در بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸ بسیج گردیدند؟

- چطور روابط رقابتی بین گروه های رقیب ساخته شده است؟
 - اطلاعات ساختاری در ساحه سیاسی چه و کدام است؟ (اگر بلی:
 - سوسیولوژی دولت، آیا دولت برنده است یا بازنده، در این و یا آن محل یا مکان و چرا؟
- و اگر نی: جامعه شناسی آشوب و هرج و مرج (Sociologie du chaos): هیچ نوع اطلاعات ساختاری صحنه سیاسی وجود ندارد).

اتصال بین صحنه سیاسی و صحنه اجتماعی؟

هویت گروهی چیست، هویت فردی چیست؟

ساختار روابط بین گروه های دشمن و رقیب چطور است؟

ترکیب دوباره سیاسی بر مبنای فعال شدن دوباره تخیلی قبائل،

میکانیزم افراطیت

بی ریشه شدن اجتماع

جنگ به تخریک بلند

ادامه دارد